

مستی ارادی؛ تقصیری در حکم عمد

محمد آشوری*

استاد گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

صادق شریعتی نسب

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۲/۱۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۳/۱۷)

چکیده:

فرض حقوقی، ابزاری است برای کاستن از جمود حقوق و تعدیل مرزهای قاطع آن. خشکی قواعد حقوقی نباید دست‌مایه‌ای برای بی‌قیدی و خودکامگی انسان‌ها باشد. آن‌که برای کاستن از آلام خود، آرام دیگران را می‌آید و مستی خویش را بر هستی بیش می‌پسندد، آن‌گاه که اراده از او تهی شد و آن‌چه را که نباید، محقق ساخت، استحقاق آن را ندارد که همتراز نائم و صغیر غیرممیز و مجنون قرار گیرد و به بهانه فسادان قصد از کارزار بگریزد. باید داستان عدالت‌جوی حقوق را گشود تا طرحی نو در اندازند و بر بی‌عدالتی بشورند. نهاد «تقصیر در حکم عمد» ابداعی است تا امر موضوعی ثابت ناشدنی دعوی (= عمد)، اثبات پذیر باشد. آن‌چه در این مقاله آورده شده، چگونگی و حدود تطبیق نهاد «تقصیر در حکم عمد» بر «مستی ارادی» است.

واژگان کلیدی:

مستی ارادی، در حکم عمد، تقصیر در حکم عمد، ظن قوی، مسئولیت، مسلوب‌الاختیاری، فقدان اراده، قابلیت پیش‌بینی.

Email: ashouri-mohammad@yahoo.com

فکس: ۶۶۴۰۹۵۹۵

*مسئول مقاله

برای اطلاع از دیگر مقالات منتشر شده از این نویسنده در همین مجله، به صفحه پایانی این مقاله نگاه کنید.

مقدمه

تقصیرها را از نظر نقش اراده مرتکب، می‌توان به ارادی و غیرارادی تقسیم کرد. تقصیرهای ارادی، خود به تقصیرهای عمدی و غیرعمدی تفکیک می‌شوند. همچنین تقصیرها از نظر درجه، به تقصیر سبک (Slight negligence/ Faute légère) و سنگین (Gross negligence/ Faute lourde) قابل تقسیم هستند (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۵۴ تا ۳۵۶). هر فعلی که به اختیار از انسان سر می‌زند، ارادی است. پس کافی است امری به کسی تحمیل نشده و با تأمل انتخاب شده باشد تا رفتار او را ارادی بدانیم. اما تقصیر ارادی هنگامی «عمدی» است که به قصد وقوع نتیجه‌ای نامشروع^۱ محقق شود^۲ (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۵۶؛ بادی، ۱۳۸۴: ۱۶۹). بنابراین در تقصیر عمدی، هم فعل (سبب) آزادانه انجام می‌شود و هم نتیجه حاصل از آن (مسبب)، مقصود مرتکب است. با این توضیح، تقصیرهای سبک و سنگین، خود انواعی از تقصیر غیرعمدی هستند^۳ که حسب احتمال منتج شدن به نتیجه نامشروع، درجه‌بندی شده‌اند.

اما تقصیر در حکم عمد (Wanton negligence/ Dol éventuel)، حد وسط و مرز مشترک میان این دو تقسیم‌بندی است: در شکل‌گیری آن، هم به درجه تقصیر نظر می‌شود و هم اینکه «رضایت» و «لاقیدی» نسبت به تحقق نتیجه، به خواست مرتکب منتسب می‌گردد؛ هرچند که نتیجه مزبور «مطلوب» وی نیست و او به وقوع آن «علم»^۴ نیز ندارد. این همان مفهومی است که در حقوق کیفری به آن سوءنیت احتمالی می‌گویند: آنچه به درجه «خواست» و «علم» نمی‌رسد، اما در بر دارنده «بی احتیاطی آگاهانه» (Une Imprudence Conscient) است و می‌توان آن را پیش‌بینی کرد (Bouzat et Pinatel, 1970: 265, N 177؛ صانعی، ۱۳۷۱: ۳۲۰).

بنابراین، این قاعده عمومی نیست که هر تقصیر سنگین، در حکم عمد باشد^۵ (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۵۶). تقصیر سنگین، گاهی اماره بر سوءنیت مرتکب قرار می‌گیرد و گاهی صرف نظر از نیت وی، ماهیتی مستقل یافته و در حکم عمد قلمداد می‌شود (در این مورد رک. صفایی، ۱۳۶۴: ۱۸۲ و ۱۸۸؛ کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۵۸۲ و ۵۸۳). گاهی نیز در زمره تقصیرهای غیرعمدی جای می‌گیرد.

۱. آنچه که حقوق (اعم از مقررات قانونی یا اخلاق حسنه و نظم عمومی) آن را نامشروع بدانند، خواه جرم باشد یا خیر.

۲. برای دیدن تعریفی دیگر از تقصیر عمدی رک. جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۱۳۹۴.

۳. زیرا به قصد ایجاد نتیجه صورت نمی‌گیرند. برای دیدن این تقسیم در حقوق فرانسه، رک. صفایی، ۱۳۶۴: ۱۷۰ به بعد.

۴. ارتکاب فعلی عالماً به اینکه اثری خاص بر آن مترتب است، خود به معنی خواست آن اثر است اگرچه مطلوب اصلی نباشد. پس باز هم با تقصیری عمدی مواجه هستیم (صفایی، همان: ۱۷۲).

۵. برای دیدن نظری که تقصیر سنگین را همیشه و از همه جهت در حکم عمد دانسته و این دو را مرادف می‌داند، رک. علی‌پور قوشچی، ۱۳۸۵: ۲۷۵ تا ۲۷۷ و ۲۸۵. برای دیدن نمونه‌ای دیگر، رک. خدابخشی، ۱۳۸۸: ۳۴۱.

برای تعیین مصادیق تقصیرهای در حکم عمد، به گفتمانی در سطح جامعه مراجعه می‌شود؛ زیرا «فرض/Fiction^۱، اعتبار است و پذیرش اعتبار، در گرو نظرگاه اعتبارکننده و مخاطبان آن» (جعفری تبار، ۱۳۸۵: ۱۷۳). پس «معیار تمییز مجاز درست از مجاز غلط، پذیرش طبع عرف است» (جعفری تبار، ۱۳۸۳: ۱۴۴ تا ۱۴۶ و جعفری تبار، ۱۳۸۵: ۱۷۱). اصولاً در مورد تقصیرهای سنگین نیز چنین است و داوری از موردی به مورد دیگر و در شرایط گوناگون، متفاوت خواهد بود (رک. صفایی، همان: ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۹۴ و ۱۹۵).

به اجمال، در نظر عرف تفاوت اصلی میان تقصیرهای سنگین و در حکم عمد، در قابلیت نوعی پیش‌بینی نتیجه خلاصه می‌شود؛ امری که در تقصیرهای در حکم عمد، قوی‌تر است (نوربها، ۱۳۸۶: ۱۷۷، پانوش ۵۵). به عبارتی، عرف گاهی و نه همیشه قوت ظن را هم‌تراز علم و بی‌توجهی به آن را، هم‌رتبه قصد می‌بیند.

در ادامه، نخست موضوع بحث یعنی «مستی ارادی»، تبیین و ارکان آن موشکافی خواهد شد. پس از تحدید چارچوب موضوع و گزینش رویکرد، «تأثیر مستی ارادی بر مسئولیت مرتکب» را بررسی می‌کنیم تا آن‌چه را در بخش نخست شایسته یافته‌ایم، در مرتبه حکم و اثر نیز تبلور یابد و در حیطه اجرا هم محک خورده باشد.

۱- مستی ارادی

آن‌چه که در این مجال در باره آن سخن می‌رود، مستی‌ای است که نخست؛ به صورت ارادی حاصل شده باشد (Voluntary intoxication). یعنی اگرچه شخص با اقدام به شرب خمر یا استعمال هرگونه مواد مخدر یا روان‌گردان قصد انجام هیچ‌گونه عمل نامشروع را ندارد، اما نفس اقدام به مستی عالمی و عامداً صورت گرفته باشد؛ به این معنی که ارتکاب این امر از روی اشتباه یا جبر نباشد.

ثانیاً؛ در نتیجه این مستی، مسلوب‌الاراده (Deprived of control/ Abulic) شده باشد؛ به این معنی که به واسطه مستی در چنان حالتی قرار گرفته که کنترل اعمال از دستش خارج شده، به نحو غیرارادی دست به رفتاری بزند که در حالت عادی از آن خودداری می‌کرد.

افعالی نامشروع را که در چنین حالتی از شخص مست صادر می‌شوند، باید در حکم عمد دانست: انسان اجتماعی که تمامی رفتار و اقداماتش با نمونه متعارف و نوعی قیاس می‌شود، در برابر دیگران مسئول است و آزادی او بی‌مرز نیست. کسی که آگاه است آن‌چه مصرف می‌کند ماده‌ای است که سبب زوال یا تضعیف قوای اراده می‌شود و با این‌حال، چنان در آن زیاده‌روی

۱. مجاز؛ چیزی را در حکم چیز دیگر دانستن.

می‌کند که بی‌اختیار شود، در واقع تمامی مخاطرات و پی‌آمدهای ناگوار احتمالی را نادیده می‌گیرد و خودخواهی و کسب لذت فردی خویش را بر حقوق دیگران ترجیح می‌دهد.^۱ به هرآنچه که محتمل است از این ره‌گذر نمایان شود، راضی است اگرچه که آنها را نمی‌خواهد. این، یعنی «پذیرش خطر»؛ موقعیتی میان «عمد» و «آگاهی ساده» از خطر (رک. کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۵۰۳). به بیان دیگر، او در لحظه اقدام به مستی، میان خوش‌گذرانی زودگذر و نتایج شوم احتمالی آن، دست به انتخاب می‌زند و خودخواهانه و ناعادلانه به نفع خویش حکم می‌کند.

در اینجا، «آگاهی» شخص از اینکه با شرب مسکر (Intoxicant) یا استعمال سایر مواد زائل‌کننده اراده، «از روی عادت» دست به اعمال خارج از کنترلی خواهد زد (ن.ک. اردبیلی، ۱۳۸۶ (الف))، شرط در حکم عمد دانستن اقدامات وی نیست. یعنی لازم نیست او به تجربه تأثیر مسکر را بر روان خود دریافته باشد. زیرا در دنیای کنونی، آدمی همه چیز را به تجربه خویش در نمی‌یابد؛ برای اینکه بداند «برق» کشنده یا «مار» سمی است، شخصاً آن را نمی‌آزماید. انسان اجتماعی مسئول به درصد و احتمال بروز خطر می‌نگرد و از آن پرهیز می‌کند. بی‌توجهی به ظن قوی (Violent presumption) که عرف به بروز حادثه دارد، خود به معنای بی‌تفاوتی و رضایت نسبت به آن است. به تعبیری، هرگاه کسی خود را با علم و اختیار مست کرده باشد (۱) و سپس در اثر مستی و در حالت بی‌ارادگی رفتاری کند (۲)، مجموع افعال وی را در حکم واحد می‌دانیم و فرض خواهیم کرد که قصد انجام آن رفتار در لحظه ارتکاب وجود داشته و عمل او عمدی است.^۲

اگرچه عقل، مؤاخذه و مسئول دانستن خاطی، ناسی، جاهل و...^۳ را قبیح می‌داند؛ اما اگر این امور در نتیجه بی‌احتیاطی یا انتخابی ناشایست حادث شوند، در نظر عقل تکلیف پابرجا می‌ماند (انصاری، ۱۴۱۷: ۳۳۳).^۴ در نظر شرع نیز نه تنها در خصوص رفع مسئولیت و مؤاخذه از مست هیچ‌گونه نصی وارد نشده، شرب مسکر خود حرام است و شدیداً مورد نهی قرار گرفته.^۵ در این زمینه، همچنین گفته‌اند: «جرم»، خود نمی‌تواند رافع مسئولیت باشد (زیدان: ۱۳۱). به نقل از قبانچی، (۱۳۷۵: ۱۳۲). کما اینکه عرف نیز انتخاب بد را در بردارنده عواقب آن می‌داند که: «هرکس

۱. به‌عنوان ملاکی برای تقصیر نابخشودنی/Faut inexcusable، که همان مفهوم تقصیر در حکم عمد را دارد، آمده است: «تقصیری آگاهانه با علم به وقوع احتمالی خسارت و پذیرش جسورانه آن بدون دلیل موجه است» (به نقل از صفایی، ۱۳۶۴: ۱۸۸ و ۱۸۹).

۲. جهت ملاحظه تحلیل مشابه در مستی «به قصد قتل» رک. میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶: ۲۸۲؛ پوربافرانی، ۱۳۷۵: ۱۱۹.

۳. رفع عن امتی تسعة اثنباء: الخطاء و النسیان و ما استکرهوا علیه و ما لا یعلمون و ما لا یطیقون و ما اضطرّوا الیه و الطیره و الحسد و التفکر فی الوسوسه فی الخلق مالم ینطق الانسان بشفتیه.

۴. «والذی یجسم الاشکال، منع استقلال العقل بقیح المواخذة علی هذه الامور بقول مطلق، فان الخطأ و النسیان الصادرین من ترک التحفظ لا یقیح المواخذة علیهما، و کذا المواخذة علی ما لا یعلمون مع امکان الاحتیاط، و کذا التکلیف الشاق الناشئ عن اختیار المکلف».

۵. «بسنلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس و اثمها اکبر من نفعهما» (بقره ۳/ ۲۱۹)، در کنار: «قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر و ما بطن و الاثم» (اعراف ۷/ ۳۳). در قرآن کریم، جز در این آیه، هیچ‌جا واژه «اتم کبیر» آورده نشده. در عوض، درباره شرک به خداوند، لفظ «اتم عظیم» به کار رفته است (طباطبایی، ۱۳۴۶: ۲۸۴).

خربرزه می خورد، پای لرزش می نشیند» و توجیه اقدامات ناموجه با مستی، «عذر بدتر از گناه» است.

همان‌گونه که بیان شد، ملاک و ضابطه تقصیرهای در حکم عمد، عرفی و نوعی است. در اینجا باید متذکر شد که افعال ارتكابی در حال بی‌اختیاری ناشی از مصرف داروهای خواب‌آور را عرف در حکم عمد نمی‌داند؛ حتی اگر استفاده آنها بدون عذر و ضرورت باشد. اما مواد مخدر و قرص‌های روان‌گردان، از این حیث به مانند مشروبات الکلی هستند. علت این تفاوت آن است که حتی اگر بتوان ارتكاب فعلی نامشروع را از مصرف داروهای خواب‌آور پیش‌بینی کرد، این احتمال چندان قوی نیست که رضایت نسبت به نتیجه را به اراده مرتکب منتسب کند؛^۱ زیرا مواد مخدر و داروهای روان‌گردان، معدّ برای از خود بی‌خود شدن هستند اما داروهای خواب‌آور، وسیله‌ای برای آرامش و سکون.

۲- تأثیر مستی ارادی بر مسئولیت مرتکب

در حکم عمد دانستن افعالی که شخص در حالت بی‌اختیاری ناشی از مستی ارادی مرتکب می‌شود، دارای آثار و نتایجی است که در این بخش مورد بحث قرار می‌گیرند. با توجه به تفاوت مبانی و اهداف مسئولیت مدنی و کیفری، مبحث حاضر را به دو عنوان تقسیم کرده و هریک را جداگانه بررسی می‌کنیم.

۲-۱- مسئولیت مدنی

هدف و فلسفه وجودی مسئولیت مدنی این است که در دنیای پیچیده و کلاف سر در گم روابط انسانی، ضرری به ناروا بر کسی تحمیل نشود و خسارتی نامشروع جبران نشده باقی نماند. مسئولیت مدنی، نه در پی کیفر دادن خاطی که به دنبال اعاده وضعیت زیان‌دیده به حالت سابق است. پس، از کاوش در نیت و قصد انسان‌ها بی‌نیاز است؛ به رفتار آنان می‌نگرد و آن را با رفتار نمونه‌ای متعارف و نوعی در همان شرایط وقوع حادثه می‌سنجد. در نتیجه، به‌طور معمول^۲ وضعیت روانی مرتکب در حین اضرار، مدنظر قرار نمی‌گیرد و به وجود رابطه علیت عرفی میان تقصیر مرتکب و ضرر وارده بسنده می‌شود. در همین راستا است که ماده^۱ قانون

۱. این قضاوت عرفی تا جایی صدق می‌کند که استعمال این مواد «به قصد وقوع فعل» مزبور نباشد و یا با توجه به وظیفه‌ای که شخص به عهده گرفته، سلب هوشیاری، خود «به منزله پذیرش خطر» نباشد. بنابراین استفاده یک پزشک یا خلبان هواپیما از این مواد در حین انجام وظیفه را، عرف با دیده اغماض نمی‌نگرد. برای دیدن جایگاه وظیفه شخص در سنگینی تقصیر او، رک. صفایی، ۱۳۶۴: ۱۷۴ و نیز ۱۸۴ به بعد. و برای دیدن نقش آگاهی از خطر در مسئولیت شخص خواب، رک. یکتن‌خدایی، ۱۳۷۶: ۴۴ و ۴۵.

۲. برای دیدن مواردی که عمد و آگاهی در مسئولیت مدنی اثرگذار است رک. بادینی، ۱۳۸۴: ۱۶۸ به بعد.

مسئولیت مدنی بیان می‌دارد: «هرکس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا... لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مالی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارات ناشی از عمل خود می‌باشد».

همچنین ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هرگاه ضعیف یا مجنون یا غیررشید باعث ضرر به غیر شود، ضامن است». پس کسی که در حال بی‌اختیاری ناشی از مستی مرتکب اضرار می‌گردد، به طریق اولی مسئول خواهد بود (گرجی، ۱۳۸۷: ۱۱۷).

با این حال، در حکم عمد دانستن عمل، نتایجی در مسئولیت مدنی وی به دنبال خواهد داشت که تقصیر غیر عمدی، فاقد آن است. در ادامه به این نتایج اشاره می‌شود.

۲-۱-۱- منع بیمه خسارت عمدی

اصولاً حوادثی را می‌توان بیمه کرد که وقوع آنها به اراده طرفین، به خصوص بیمه‌گذار وابسته نباشد. در ارائه معیاری برای سنجش میزان غیرمجاز تأثیر اراده بیمه‌گذار در وقوع حادثه، بیمه از قرن ۱۹ سیری تاریخی را به سمت تضییق مفهوم «تقصیر غیرقابل پذیرش» طی کرده است. به نحوی که نخست، تنها وقایع غیرقابل پیش‌بینی و اتفاقی قابل بیمه شدن بود. اما در ادامه روند به گونه‌ای پیش رفت که تقصیر سنگین را هم در محدوده تعهدات بیمه‌گر جای داد و تنها «تقصیر عمدی» بیمه‌گذار و عمل توأم با سوءنیت و تقلب او استثنا شد (مشایخی، ۱۳۴۲: ۲۳۲ و ۲۳۳؛ کاتوزیان و ایزانلو، ۱۳۸۷: ۴۹ تا ۵۱؛ بادینی، ۱۳۸۴: ۳۶۵).

با این حال، دامنه این استثنا، تقصیرهای در حکم عمد را نیز فرا گرفته و به تقصیرهای عمدی ملحق کرده است.^۱ پس مهم است که مرز میان تقصیرهای سنگین و در حکم عمد را نگاه داریم و آنها را به هم نیامیزیم. به عنوان نمونه، یکی دانستن این دو مفهوم و «سنگین» شمردن تقصیر مربوط به مستی راننده، سبب شده برخی بیمه‌ان را نیز صحیح بدانند (رک. خدابخشی، ۱۳۸۸: ۳۴۱ به بعد).

به هر روی، رویه قانون‌گذاری بیمه‌ای در ایران، عدم مسئولیت بیمه‌گر را در مورد حوادث ایجاد شده در نتیجه مستی بیمه‌گذار، آشکارا پذیرفته است. در زیر، به پاره‌ای از مقررات در این باره اشاره می‌شود: نخست، چند نمونه از مصوبات شورای عالی بیمه مرکزی ایران، و سپس قانون بیمه اجباری:

۱- در آیین‌نامه شماره ۳۷/۱، مکمل آیین‌نامه شرایط عمومی بیمه‌نامه مسئولیت حرفه‌ای پزشکان، مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۸، در ماده ۸ که استثنائات را بیان می‌کند، چنین انشاء شده است:

۱. رک. کاتوزیان، ۱۳۵۸: ۳۵۶: «خطای سنگین را که به مرحله عمد رسیده است، نمی‌توان بیمه کرد». گاهی نیز مسئولیت شخصی عامد (یا در حکم عامد) بر مسئولیت بیمه‌گر افزوده می‌شود (بادینی، ۱۳۸۴: ۳۱۱، پانوش ۱۰۶۶).

«موارد زیر از شمول تعهد بیمه‌گر خارج است: بند ۲- پزشک به دلیل استفاده از مسکرات و استعمال مواد مخدر یا داروی خواب‌آور، تمرکز و هوشیاری لازم برای مداوای بیمار را نداشته باشد و باعث صدمه جسمی او شود».

۲- در آیین‌نامه شماره ۲۳ در مورد شرایط عمومی بیمه حوادث انفرادی، مصوب ۱۳۳۸/۸/۲۲، ماده ۲۴ اینگونه اعلام می‌دارد که: «موارد زیر و یا تحقق خطر ناشی از آن، از شمول تعهدات بیمه‌گر خارج است: ج- مستی و یا استعمال هرگونه مواد مخدر و یا داروهای محرک بدون تجویز پزشک».

۳- آیین‌نامه شماره ۵۳، در خصوص شرایط عمومی بیمه بدنه و سائل نقلیه زمینی، مصوب ۸۴/۱۲/۹ در ماده ۶ در مقام معرفی خسارت‌های غیرقابل جبران چنین اشعار می‌دارد: «بند ۶- خسارت‌های ناشی از حوادثی که طبق گزارش مقامات ذیصلاح، به علت مصرف مشروبات الکلی و یا استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان توسط راننده موضوع بیمه به وجود آمده باشد».

۴- ماده ۶ از «قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث» مصوب ۱۳۸۷/۲/۳۱ نیز، مستی راننده را در کنار «عمد» وی گذارده و هر دو را به حکمی واحد مورد خطاب قرار داده است: در این دو مورد، بیمه‌گر به حکم قانون خسارت را به زیان‌دیده می‌پردازد، اما سپس همان مبلغ را از عامل (راننده) باز می‌ستاند. در واقع، الزام بیمه‌گر، تکلیفی قانونی است و از قرارداد بیمه ناشی نمی‌شود، وگرنه هنوز هم نمی‌توان اضرار عمدی یا در حکم آن را بیمه کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۳۷۴ و ۳۷۵؛ کاتوزیان و ایزانلو، ۱۳۸۷: ۴۶).^۱

در این ماده می‌خوانیم: «در صورت اثبات عمد راننده در ایجاد حادثه... و یا رانندگی در حالت مستی یا استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان مؤثر در وقوع حادثه... شرکت بیمه موظف است بدون اخذ تضمین، خسارت زیان‌دیده را پرداخت کرده و پس از آن می‌تواند به قائم مقامی زیان‌دیده... به شخصی که موجب خسارت شده است مراجعه نماید».

۲-۱-۲- بطلان شرط عدم مسئولیت در اضرار عمدی

حتی اگر دو طرف، طی قراردادی اضرار عمدی یا در حکم آن را برخویش روا دارند، «قانون» چنین توافقی را بر نمی‌تابد؛ چرا که «در جامعه منظم هیچ‌کس حق ندارد در پناه قراردادی که به سود خود تحصیل می‌کند، در ضرر زدن به دیگران آزاد باشد. چنین امری هم با نظم عمومی و هم با اخلاق حسنه منافی است» (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۳۱ و ۳۳۲ و ۷۲۳). بی‌تأثیری شرط

۱. برای دیدن نظری که با وجود اعتقاد به امکان و صحت چنین بیمه‌ای، برای توجیه حکم قانون به همین نتیجه گرایش می‌یابد، رک. خدابخشی، همان: ۳۴۲، پانویشت ۲.

تحدید یا عدم مسئولیت در اضرار عمدی و در حکم عمد (یا تقصیر سنگین)، قاعده‌ای ریشه‌دار و فراگیر در عالم حقوق است (صفایی، ۱۳۶۴: ۱۶۵ تا ۱۹۶).

در همین زمینه، ماده ۱۱۶ قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳/۶/۲۹، در مقام تعیین چارچوب مجاز تحدید مسئولیت متصدی حمل و نقل دریایی اعلام می‌کند: «هرگاه ثابت شود علت خسارت، فعل یا ترک فعلی باشد که متصدی حمل‌عامل و با علم بر احتمال وقوع خسارت انجام داده، در این صورت از تحدید مسئولیت مقرر در ماده ۱۱۵ نمی‌تواند استفاده نماید».

همین موضع را باید در خصوص مستی اتخاذ کرد. افزون بر آن‌که مستی اختیاری، خود جرم و دارای مجازات است. پس اگر کسی طی قراردادی شرط عدم مسئولیت به نفع خویش تحصیل کرده باشد، زیان‌هایی که در نتیجه مستی او به بار می‌آیند، از شمول این شرط خارج هستند و به زیان‌های عمدی ملحق می‌شوند. همچنین، شرط «معافیت از خسارات ناشی از مستی ارادی» باطل است!

۲-۲- مسئولیت کیفری

برخلاف آنچه در مسئولیت مدنی گفته شد، در مسئولیت کیفری، آنچه اهمیت دارد قصد و نیت شخص در حین ارتکاب فعل مجرمانه است؛ مجازات‌ها در نهایت جهت سزا دادن به رفتار همراه با سوءنیت مرتکب بر وی اعمال می‌شوند. به همین دلیل هم «قابلیت انتساب»، جزء شرایط مسئولیت کیفری است و مرتکب باید اخلاقاً مسئول باشد. بنابراین در تقصیرهای عمدی، کاوش دادرس جنبه شخصی دارد و بسته به این است که از تحلیل نیت واردکننده زیان، «خواستن»^۲ فهمیده شود یا «کوتاهی» (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۵۸؛ صفایی، ۱۳۶۴: ۱۷۲).

اما در تقصیرهای در حکم عمد، هم‌چنان که در تقصیر سنگین، دادرس تنها به معیارهای نوعی توجه می‌کند و از این طریق به نیت و هدف خطاکار می‌رسد (صفایی، همان). به عبارتی از آنجا که خواست نتیجه مجرمانه شرط تحقق تقصیر در حکم عمد نیست، دادرس بر اساس احتمال نوعی حصول نتیجه، بی‌تفاوتی مرتکب و رضایت (و نه خواست) وی را احراز می‌کند.^۳ پس باید گفت: هرچند در هر دو نوع تقصیر عمدی و در حکم عمد دادرس باید به جستجوی هدف و مقصود مرتکب بپردازد، اما در تقصیر در حکم عمد، توسل به معیار نوعی

۱. برای مطالعه تفصیلی آثار بی‌اعتباری این دو نوع پیمان در سلب مسؤولیت، رک. ایزانلو، ۱۳۸۲: ۲۹۵ تا ۳۰۱.
 ۲. با این حال، «علم» به وقوع نتیجه، خود به معنی خواستن آن است. در این زمینه رک. ایزانلو، ۱۳۸۲: ۱۶۶، و میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶: ۲۸۳. همچنین نگاه کنید به بند (ب) و (ج) ماده ۲۰۶ قانون قدیم مجازات اسلامی، و بندهای (ب) و (پ) ماده ۲۸۸ قانون جدید و تبصره‌های سه‌گانه آن.
 ۳. دیوان تمیز کشور فرانسه، برای احراز «تقصیر نابخشودنی» که به تقصیر در حکم عمد می‌ماند، معیار نوعی را برگزیده است (صفایی، همان: ۱۹۱).

برای احراز نیت مرتکب کافی است و خلاف آن را نمی‌توان اثبات کرد. در حالی که در تقصیر عمدی، فهم نوعی در کنار شرایط و اوضاع و احوال دیگر، اماره‌ای برای رسیدن به اراده مرتکب هستند.^۱

با این حال، نباید چنین پنداشت که تقصیرهای در حکم عمد از این نظر کاملاً غیرشخصی هستند؛ همان‌گونه که بیان شد در این نوع تقصیر هم دادرس به دنبال کشف نیت و هدف مرتکب است و «رضایت» نسبت به حصول نتیجه را در نهایت منسوب به اراده او می‌کند. پس در این نوع تقصیر نیز مانند تقصیر عمدی، وصف «پذیرش خطر و بی‌تفاوتی نسبت به نتیجه» باید قابل انتساب به اراده مرتکب باشد. از همین روی ضعیف و مجنون و یا مجبور را نمی‌توان به واسطه ارتکاب تقصیر در حکم عمد، مسئول دانست.

در همین راستا است که ماده ۲۲۱ قانون قدیم مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰) اعلام می‌کرد: «هرگاه دیوانه یا نابالغی عمداً کسی را بکشد، خطا محسوب و قصاص نمی‌شود...». ماده ۲۹۰ از قانون جدید (مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۷) نیز چنین مقرر داشته: «جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می‌شود: ... ب- به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد».

به هر روی، با توجه به افزایش روز افزون حوادث ناشی از نبود دوراندیشی در زندگی مدرن، جرم‌شناسان در پی واکنش‌هایی شدیدتر برآمده‌اند. چنین رویکردی مبتنی بر این استدلال است که عامل، باید به‌طور کامل مسئول رفتاری باشد که عواقب آن عادتاً (Normalement) قابل پیش‌بینی است. بنابراین، چنین فردی باید همانند مرتکب یک جرم عمدی مجازات شود (Bouzat et Pinatel, 1970: 265).

اما در مورد جرائم ارتكابی در حالت فقدان اختیار (Abulia) ناشی از مستی ارادی، مواضع متفاوت در فقه شیعه، چارچوب قانونگذاری ایران و حقوق خارجی برگزیده شده است. پس در سه عنوان به بررسی هریک از این مواضع می‌پردازیم تا در نهایت تفاوت‌ها آشکار شوند.

۲-۱- نظرات فقهی

فقه‌ها بحث از قابلیت یا عدم قابلیت مجازات افعال واقع در حال مستی را به‌طور معمول در باب قصاص مطرح کرده‌اند؛ با این پرسش که آیا قتل در حال مسلوب‌الاختیاری ناشی از مستی، مستوجب قصاص است یا خیر؟ نظرات فقها را در این خصوص می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک. اردبیلی، ۱۳۸۶ (ب): ۲۴۳ و ۲۴۴، و کتابی، ۱۳۴۲: ۹۴ تا ۹۷. همچنین رک. کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۵۸۳، ش. ۳۲۲.

الف- ثبوت قصاص

بسیاری از فقها به ثبوت قصاص بر شخصی که به طور ارادی و بدون عذر شرعی اقدام به شرب مسکر کرده و سپس در حالت مستی، مرتکب قتل می‌گردد نظر داده‌اند (نجفی، ۱۳۶۷: ۱۸۶؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۵۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۶: ۱۶۵؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۶۰۱؛ و محقق حلّی، ۱۴۰۹: ۹۹۰). حتی در این زمینه نقل اجماع شده است^۱ (رک. نجفی، ۱۳۶۷: ۱۸۶). به طور کلی دلایل این دسته را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱- روایاتی که در این باره وجود دارد و بر قصاص دلالت دارند^۲. ۲- شخص مست از حیث ترتب احکام، در حکم «صاحی»^۳ است؛ زیرا از پیش، از شرب مسکر منع شده بود. اما او در حالی که مختار بوده، به واسطه انتخاب نادرست خود از اختیار خارج گشته است و باید پاسخ‌گوی این گزینش خویش باشد^۴ (نجفی، ۱۳۶۷: ۱۸۷؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۲). ۳- شارع، به طور مطلق شخص مست را معذور ندانسته است. چنین سکوتی نشان می‌دهد که در غیر موارد عذر شرعی، وی به منزله هوشیار است (شهید ثانی، ۱۴۱۶: ۱۶۵؛ مقدس اردبیلی، همان).

ب- ارتفاع قصاص و ثبوت دیه

مطابق نظر دیگر، از آنجا که شخص مست فاقد قصد و عمد است، سقوط قصاص به حق نزدیک‌تر است (علامه حلّی، بی‌تا: ۲۵۰؛ و علامه حلّی، ۱۴۱۰: ۲۰۲؛ مقدس اردبیلی، همان؛ کاشانی، ۱۴۱۰: ۱۰۳). اگر هم قصدی برای او باشد، در حکم عدم قصد است (کاشانی، همان: ۱۰۴). هوشیار شمردن مست نیز استحسانی بیش نیست که باید از آن دست کشید (مغنیه، ۱۴۲۱: ۳۱۷). برای تقویت این نظر، به وجوب احتیاط در خون نیز استناد شده است (نجفی، ۱۳۶۷: ۱۸۷؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۵: ۲۹۶).

ج- توجه به موقعیتی که مستی در آن صورت گرفته

مطابق این نظر، بیان شده که: کسی که شرب مسکر می‌کند، اگر بدانند وضعیتی خاص در زمره اوضاع و احوالی است که نوعاً به قتل منجر می‌شود و با وجود این، اقدام وی به شرب مسکر، در همان موقعیت صورت گیرد، قصاص بر او ثابت است. ولی اگر این چنین نبوده و

۱. با این حال، به دلیل وجود نصوص، این اجماع مدرکی یا محتمل‌المدرک است.

۲. برای دیدن احادیث رک. حرعاملی، ۱۴۱۴: ۲۳۳ و ۲۳۴؛ شامل: معتبره السکونی عن ابی‌عبدالله علیه السلام و صحیح محمد ابن قیس عن ابی جعفر(ع).

۳. کسی که در صحت عقل به سر می‌برد- هوشیار.

۴. الامتناع بالاختیار، لا ینافی الاختیار.

۵. با این حال صاحب جواهر این استدلال را نمی‌پذیرد: «و ان قال: علی اشکال مما عرفت من انتفاء العمد و الاحتیاط فی الدم، الا ان الاقوی ما عرفت».

قتل اتفاقی باشد، قصاص ثابت نمی‌شود بلکه باید دیه بدهد (موسوی خویی، ۱۳۹۶: ۸۰؛ کاشانی، ۱۴۱۰، ۱۰۴؛ لنکرانی، ۱۴۲۱، ۱۷۷).

این فرض، بر قاعده «علم به حصول نتیجه به معنی خواست آن است» بنا شده که قاعده‌ای عمومی است و منحصر به رفتار در حال مستی و یا حتی گناه نمی‌شود (لنکرانی، همان). به همین دلیل هم در مواردی که «علم» به وقوع قتل وجود نداشته باشد، قاعده جاری نمی‌شود.^۲ در مقام دفاع از این نظر، گفته‌اند روایات وارده با مضمون ثبوت قصاص بر قاتل مست را می‌توان به گونه‌ای تفسیر کرد که مرتکبین قتل همگی با علم به اینکه در معرض (= محل عروض) قتل قرار دارند اقدام به شرب مسکر کرده‌اند و بنابراین این نظر با احادیث تأیید شده است (موسوی خویی، ۱۳۹۶: ۸۱؛ کاشانی، ۱۴۱۰: ۱۰۴ تا ۱۰۶).

اما این تحلیل در حالی است که هر دو روایت از این حیث کاملاً مطلق هستند و در آنها هیچ اشاره‌ای به علم یا سابقه اشخاص نشده است.^۳ بنابراین بسیار بعید است بتوان از دل آنها چنین معنا و تفکیکی بیرون کشید (لنکرانی، ۱۴۲۱: ۱۷۸ تا ۱۸۱).

۲-۲-۲- قوانین داخلی

الف- قانون مجازات عمومی

در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ با اینکه مستی جرم‌انگاری نشده بود، اصل بدین گونه تأسیس شده بود که مستی ارادی، اگرچه سبب اختلال تام شعور یا اراده شود رافع مسئولیت نیست. با این حال، دادرس مختار بود که با توجه به اوضاع و احوال مورد، مجازات مرتکب را تخفیف دهد. در ماده ۳۷ این قانون آمده بود: «مستی حاصل بر اثر استعمال اختیاری مواد الکلی و مخدر یا نظایر آنها به طور کلی رافع مسئولیت جزایی نیست و اگر ثابت شود استعمال مواد مذکور به منظور ارتکاب جرم بوده مرتکب به حداکثر مجازات محکوم می‌گردد. تبصره- هرگاه استعمال مواد مذکور به منظور ارتکاب جرم نبوده و موجب اختلال تام یا نسبی شعور یا قوه تمیز یا اراده مرتکب در حین ارتکاب جرم شده باشد، دادگاه حسب مورد و اقتضای اوضاع و احوال می‌تواند مجازات را در مورد اختلال تام تا دو درجه و در مورد اختلال نسبی، یک

۱. «لا یبعد أن یقال: إنَّ مَنْ شرب المسکر إن کان یعلم أن ذلك مما یؤدي إلى القتل نوعاً، و کان شربه فی معرض ذلك، فعلیه القود وان لم یکن كذلك، بل کان القتل اتفاقياً، فلا قود، بل علیه الدیة». برای دیدن ترجمه‌ای متفاوت، رک. سعید، ۱۳۹۰: ۲۵۰.

۲. موسوی خویی، ۱۳۹۶: ۸۰ و ۸۱. برای دیدن ترجمه متفاوت، رک. سعید، همان.

۳. برای ترجمه متفاوت، رک. همان، پانوشتم شماره ۱.

۴. در هر دو حدیث، ارتفاع قصاص و صدور حکم مبنی بر دیه، به دلیل جهل نسبت به شخص قاتل است. جهت ملاحظه این نظر رک. نجفی، ۱۳۶۷: ۱۸۷: «...وإنما قضی علیه فی الاربعه بما ذکره لعدم العلم بالحال، کصحیح محمد بن قیس...»؛ لنکرانی، ۱۴۲۱: ۱۷۸ به بعد؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۳. و برای دیدن نظری که حکم روایت دوم (محمدابن قیس) را به جهت «اتفاقی بودن قتل»، اصالتاً (و نه به خاطر جهل) دیه می‌داند، رک. موسوی خویی، ۱۳۹۶: ۸۱.

درجه تخفیف دهد بدون اینکه از حداقل مجازات جنحه‌ای کمتر باشد، مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ب- قانون قدیم مجازات اسلامی

اما در قانون پیشین مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰)، در مورد مسلوب‌الاختیاری ناشی از مستی ارادی، در صورتی که به منظور ارتکاب جرم نباشد، اصل بر رفع مجازات مربوطه بود. این امر به عنوان قاعده کلی جرائم، از مفهوم ماده ۵۳ قابل برداشت بود. اگرچه همین قاعده در ماده ۲۲۴ در باب قتل عمدی^۱ - یعنی قتلی که در حالت سلامت اراده موجب قصاص و مشمول ماده ۲۰۶ بود - تکرار شده بود، اما نظر به اهمیت نفس، این بار اثبات سلب اراده و نیز فقدان قصد قبلی قتل، بر عهده متهم قرار داده شده بود. در حالی که به نظر می‌رسد در ماده ۵۳ بار اثبات سوءنیت مرتکب (قصد نتیجه مجرمانه) بر عهده مدعی آن (دادستان یا بزه‌دیده) نهاده شده بود.^۲ ضمن اینکه حتی در فرضی که قاتل مست قصاص نمی‌شد، قابل تعزیر بود. همچنین در ماده ۵۳ صرفاً از «شرب خمر» سخن رفته بود، در حالی که در ماده ۲۲۴ به قتل «در حال مستی» اشاره شده بود.^۳

با این توضیح، در ماده ۵۳ می‌خواندیم: «اگر کسی بر اثر شرب خمر مسلوب‌الاراده شده لیکن ثابت شود که شرب خمر به منظور ارتکاب جرم بوده است، مجرم علاوه بر مجازات استعمال شرب خمر، به مجازات جرمی که مرتکب شده است نیز محکوم خواهد شد».

در ماده ۲۲۴ نیز آمده بود: «قتل در حال مستی موجب قصاص است مگر اینکه ثابت شود که در اثر مستی به کلی مسلوب‌الاختیار بوده و قصد از او سلب شده است و قبلاً برای چنین عملی خود را مست نکرده باشد^۴ و در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم جامعه و یا خوف شده و یا بیم تجرّی مرتکب و یا دیگران گردد، موجب حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود».

اما در کتاب پنجم این قانون (بخش تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ که هنوز هم مجری است، ماده ۷۱۸ (ماده ۹۳۶ فعلی) در مورد جرائم ناشی از تخلفات رانندگی، بدون توجه به درجه

۱. جهت مشاهده استدلال پیرامون اشاره به قتل عمد در این ماده رک. آقایی‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۳۳ و ۱۳۵ و ۱۳۶.
 ۲. برای دیدن همین تفاوت اثباتی میان قتل و سایر جرائم در سابقه قانونگذاری، ن.ک. ماده ۲۸ قانون «راجع به مجازات اسلامی» مصوب ۱۳۶۱/۷/۲۱ و ماده ۲۰ قانون «حدود و قصاص و مقررات آن»، مصوب ۱۳۶۱/۶/۳.
 ۳. خمر، در لغت به معنی ستر و پوشانیدن است و «خمر» را بدان سبب به این اسم نامیده‌اند که موجب پوشانیدن عقل می‌شود. اما در اصطلاح فقهی، هر نوع مایع مست‌کننده است و اختصاص به خمری که از خرما و انگور می‌گیرند ندارد (مدیرشانه‌چی، ۱۳۸۵: ۲۸۸). اما مستی، «حالت» است و اختصاص به مایعات ندارد و اصطلاح «مستی خشک» ناظر به همین فرض است. در این زمینه رک. اردبیلی، ۱۳۸۶ (الف): ۹۰.
 ۴. برای دیدن موضعی مشابه در خصوص «مستی به قصد قتل» در سابقه حقوق انگلستان رک. مغاضی، ۱۳۴۰: ۳۴ و ۳۵.

نقصان اراده راننده و نیز بدون اشاره به آگاهی یا ناآگاهی وی از اینکه آیا پس از مستی، اقدام به رانندگی خواهد کرد یا خیر، سوانح رانندگی معلول مستی راننده را سبب تشدید مجازات وی دانسته است.^۱ بدین شرح که: «در مورد مواد فوق هرگاه راننده یا متصدی وسائل موتوری در موقع وقوع جرم مست بوده... به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد فوق محکوم خواهد شد...».

اما نکته‌ای ظریف را باید در نظر داشت: اگر کسی بی‌آنکه از پیش قصد رانندگی داشته باشد اقدام به شرب مسکر یا استعمال مواد مخدر کند و بی‌اختیار شود، و آن‌گاه به‌طور اتفاقی مبادرت به رانندگی کند، در نظر عرف در حکم عامد نیست. زیرا هرچند احتمال رانندگی پیش از مستی نیز قابل پیش‌بینی است، اما این احتمال چنان قوی نیست که بتوان «رضایت به حادثه رانندگی» را به اراده مست منسوب کرد. به عبارتی داوری عرف در این حالت تحت تأثیر این حقیقت قرار می‌گیرد که عنوان «قتل ناشی از مستی» به «قتل ناشی از تصادف، در اثر مستی راننده» بدل می‌شود و این، رابطه مستقیم عرفی را دور می‌کند. اما آن‌که آگاه است که می‌باید رانندگی کند (مثلاً یک راننده تاکسی)، و با این حال خویش را مست می‌سازد، در نظر عرف راضی به حادثه رانندگی است.

تفاوت این دو حالت در برقراری رابطه مستقیم یا غیرمستقیم از دید عرف، میان مستی و نتیجه آن (= صدمه بدنی) است. به نظر می‌رسد قانونگذار نیز تحت تأثیر همین نکته، در ماده بالا حداکثر مجازات تعزیری صدمات بدنی و از جمله قتل را از ۱۰ سال مذکور در ماده ۲۲۴، به ۳ سال در قانون قدیم، و حسب مورد، مجازات تعزیری درجه هفت و شش و پنج (حداکثر ۵ سال) در قانون جدید، کاهش داده.^۲

ج- قانون جدید مجازات اسلامی

در سال ۱۳۸۲ در مقام پیشنهاد اصلاح قوانین جزایی، دفتر بررسی‌های حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، طرح «بازنگری و اصلاح قانون مجازات اسلامی» را تدوین کرد که ماده ۳۶ آن در خصوص موانع مسئولیت کیفری چنین بیان می‌داشت: «مستی بر اثر مصرف اختیاری مواد الکلی یا مخدر یا روان‌گردان یا مانند آنها رافع مسئولیت کیفری

۱. برای دیدن نظری که به سبب اطلاق ماده و عدم تصریح آن به حالت روانی مرتکب، مستی مذکور را سالب اراده نمی‌داند رک. اردبیلی، ۱۳۸۶ (الف): ۹۰. مطابق این نظر، در صورتی که راننده در نتیجه مستی بی‌اختیار شود و بدون سوءنیت قبلی باشد، حکم ماده ساقط است و مستی، کیفیت مشدده نیز نخواهد بود.
۲. برای دیدن نظری که این اختلاف مجازات را در قانون قدیم سبب تعارض می‌دانست (رک. آقایانی، ۱۳۸۴: ۱۳۵ و ۱۳۶).

نیست، هرچند موجب سلب اراده شده باشد. مرتکب علاوه بر مجازات مصرف آن مواد، به مجازات جرم ارتكابی نیز محکوم می‌شود مگر آن‌که در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد. اما در نهایت، قانون جدید مجازات اسلامی در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۲۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در ۹۰/۱۰/۲۸ به تأیید شورای نگهبان رسید. ماده ۱۵۳ این قانون، در فصل دوم از بخش چهارم از کتاب اول، با عنوان «موانع مسئولیت کیفری»، در بیان قاعده کلی جرائم چنین می‌نگارد: «مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روان‌گردان و نظایر آنها، مانع مجازات نیست، مگر این‌که ثابت شود مرتکب حین ارتكاب جرم به‌طور کلی مسلوب‌الاختیار بوده است. اما چنان‌چه ثابت شود مصرف این مواد به‌منظور ارتكاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود».

در فصل سوم از بخش اول از کتاب سوم، با عنوان «شرایط عمومی قصاص» ماده ۳۰۴ می‌افزاید: «ارتكاب جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مخدر، روان‌گردان و مانند آنها، موجب قصاص است، مگر اینکه ثابت شود بر اثر مستی و عدم تعادل روانی، مرتکب به‌کلی مسلوب‌الاختیار بوده است، که در این صورت، علاوه بر دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود. لکن اگر ثابت شود که مرتکب قبلاً خود را برای چنین عملی مست کرده و یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی وی موجب ارتكاب جنایت از جانب او می‌شود، جنایت، عمدی محسوب می‌گردد».

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در قانون جدید، سبب مستی از انحصار «خمر» خارج شده و به مواد مخدر و روان‌گردان و مانند آن نیز سرایت یافته است. بار اثبات از دست رفتن کامل اراده نیز در هر دو ماده، بر عهده مدعی آن (متهم) است. اما در مقابل، بار اثبات سوءنیت یا علم به وقوع جرم، حتی در جنایات، بر عهده مدعی آن (مجنی‌علیه یا دادستان) نهاد داده شده است. این در حالی است که در قانون پیشین، دست‌کم در قتل بار اثبات نبود قصد قبلی بر عهده جانی بود. به‌جای قتل نیز از «جنایت» در حال مستی استفاده شده تا عنوانی عام‌تر باشد.

اما، در مجازات این ماده ابهام وجود دارد. زیرا برخلاف قانون قدیم که به میزان حبس تصریح می‌کرد، این ماده به کتاب تعزیرات ارجاع داده است. مشکل از آنجا آغاز می‌شود که در کتاب تعزیرات، دو ماده بر قتل در حال مستی قابل انطباق هستند: نخست؛ ماده ۸۳۹ فعلی - ۶۱۶ پیشین - که به «قتل غیرعمد» در نتیجه بی‌احتیاطی اشاره می‌کند، و دوم؛ ماده ۸۳۵ فعلی - ۶۱۲ پیشین - که مربوط به «قتل عمدی» است که به هر دلیلی قصاص نمی‌شود. در حالی که مجازات جرم نخست درجه پنج (تا پنج سال حبس) است، مجازات دومی درجه ۴ (تا ده سال

حبس) تعیین شده. پس داوری متوقف بر این است که قتل در حال مستی را قتل عمدی بدانیم که قصاص نمی‌شود، یا قتل غیر عمد که به سبب بی‌مبالاتی واقع شده است. لحن قسمت نخست ماده ۳۰۴ که از «قصاص» سخن می‌گوید، با برداشت نخست بیشتر سازگاری دارد. زیرا دائرمدار سخن، ثبوت یا عدم ثبوت قصاص است و احراز مانع (بی‌اختیاری)، تنها همین اثر را از میان برمی‌دارد. اما بخش دوم ماده، با تحلیل دوم وفق می‌دهد، زیرا تحقق استتنا (اثبات عمد یا علم به قتل)، جنایت را «عمدی» می‌کند. پس در غیر حالت استتنا (فرض ما)، جنایت اصولاً عمدی نیست. برداشت اخیر با پیش‌نویس قانون جدید که مجازات تعزیری چنین قتلی را به ۱ تا ۲ سال کاهش داده بود (ماده ۴-۳۱۳) و نیز با تفسیر به نفع متهم سازگارتر است.

از این‌ها گذشته، افزودن عبارت «علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی وی موجب ارتکاب جنایت از جانب او می‌شود»، منطبق با نظریه سوم پیش‌گفته در آراء فقها است و می‌توان گفت ترجمه‌ای ناقص از کتاب «مبانی تکمله المنهاج» است. چه، به نظر می‌رسد مراد مؤلف کتاب، آگاهی از موقعیتی است که مستی در آن روی می‌دهد، نه شناخت درونی یا درک تجربه پیشین؛^۱ یعنی ملاکی نوعی به‌جای ملاک شخصی قانون، که عملاً اثبات‌شدنی نیست.

۲-۲-۳- حقوق خارجی

در حقوق کشورهای خارجی و نیز در سطح بین‌المللی، مواضع متفاوتی نسبت به مستی در حین ارتکاب جرم اتخاذ شده است. در برخی از کشورها مثل آفریقای جنوبی، برای کسانی که در حال مستی و فقدان اراده مرتکب اعمال مجرمانه می‌شوند، مجازات همان جرم در نظر گرفته شده و از سوی دیگر در برخی از کشورهای مشترک‌المنافع مثل استرالیا، مجرم مستی که فاقد عنصر روانی جرم بوده است، تبرئه می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶: ۲۸۱).

در حقوق آمریکا، در اکثر ایالات معمولاً قتل عمدی را به دو درجه تقسیم می‌کنند که اصولاً هدف آن، بار کردن مجازات‌های متفاوت و سنگین‌تر (معمولاً مرگ) برای درجه اول، و سبک‌تر (حبس ابد و...) برای درجه دوم است. در این خصوص، قتل عمدی ناشی از بی‌پروایی شدید (Extreme recklessness) در گروه درجه دو قرار می‌گیرد. در این میان، مستی ارادی نمی‌تواند به واسطه مخدوش کردن قدرت و قوف بر خطر، نافی بی‌پروایی شدید باشد؛ کما اینکه قانون جزای نمونه آمریکا (Model Penal Code)^۲ در قسمت (۲) ۲/۰۸ مقرر می‌دارد: «وقتی

۱. برای دیدن ترجمه مشابه عبارات قانون، رک. سعید، ۱۳۹۰: ۲۵۰. و برای دیدن ترجمه‌ای متفاوت، ن.ک. نظریه سوم از آراء فقها (ج)، همین نوشتار.

۲. قانون پیشنهادی و نمونه ایالات متحده که هر ایالت در تدوین قانون کیفری خود، آن را مدنظر قرار می‌دهد.

بی‌پروایی عنصری از جرم را تشکیل می‌دهد، اگر مرتکب به علت مستی ارادی، از خطری آگاه نباشد که اگر مست نمی‌بود باید آگاه می‌بود، چنین عدم آگاهی بی‌تأثیر است» (لفو، ۱۳۸۳: ۴۷ و ۱۰۱ و ۱۱۶).

همچنین در مورد تصادفات رانندگی در نتیجه مستی، مطابق رویه، کسی که قبل از مستی و با علم به اینکه باید رانندگی کند مبادرت به مستی می‌کند، آگاهانه ایجاد خطر کرده است. پس هر چند هنگام رانندگی به قدری مست باشد که نتواند خطر را ارزیابی کند، مانع از صدق عنوان «قتل عمدی ناشی از بی‌پروایی شدید» یا «قتل غیرعمدی ناشی از تقصیر» نیست (لفو، ۱۳۸۳: ۱۸۲، زیرنویس ۱۶).

در حقوق انگلستان، در جرائمی که نیازمند سوءنیت خاص هستند، مستی ارادی مرتکب موجب عدم مسئولیت او است. اما در جرائمی که به جای عنصر عمد، صرف سهل‌انگاری کفایت می‌کند، مستی موجب برائت نیست (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶: ۲۸۱). در واقع، نفی یکی از عناصر جرم تنها در فرضی می‌تواند سودمند باشد که جرم مزبور، مبتنی بر آن عنصر بوده باشد. بنابراین، اقامه دلیل برای نفی سوءنیت در جرم رانندگی در حال مستی، بیهوده است. زیرا چنین جرمی اصولاً فاقد رکن معنوی است (Bergelson, 2011: 62).

در نهایت در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی در ماده (b) (۱) ۳۱ به عنوان استثناء بر معافیت شخصی که در اثر مستی قدرت درکش را از دست داده، آمده است: «مگر آن‌که وی عمداً و در شرایطی مست شده باشد که می‌دانسته و یا نسبت به این خطر بی‌تفاوت بوده است که به دلیل مستی ممکن است مرتکب یکی از جنایات مشمول صلاحیت دادگاه شود» (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳: ۱۷۳). توجه به موقعیتی که مستی در آن روی داده، شباهتی خیره‌کننده با نظریه یکی از فقهای زیرک امامیه دارد (ن.ک. نظر آیت‌الله خویی، همین نوشتار).

۲-۲-۴- جمع‌بندی نظرات

در میان فقها، نظر بسیاری بر عدم سقوط مسئولیت کیفری است. برخی به سقوط قصاص، و عده زیادی هم به تفکیک نظر دارند. اما در قانونگذاری داخلی، روند تدوین قوانین به سمتی پیش رفته که مستی بدون نیت ارتکاب جرم را در صورتی که سبب زوال اراده شود، در زمره عوامل رافع مسئولیت کیفری جای دهد. در حقوق کشورهای خارجی مواضع متفاوت اتخاذ شده است. اما در سطح بین‌المللی، اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، بی‌تفاوتی نسبت به احتمال حدوث جنایت را برای بقای مسئولیت کیفری «مست» کافی می‌داند.

نتیجه

پیش از هر چیز، باید نقطه آغاز تحلیل حقوقی را بر صفحه ذهن نگاشت: تا آنجا که به لحظه وقوع حادثه مربوط است، با کسی روبه‌رو هستیم که هیچ قصد و اختیاری ندارد. آنان که تحلیل خویش را از اینجا آغاز کرده‌اند، ناچار به قیاسی روی آورده‌اند که مقیس‌علیه آن کودک و دیوانه و خواب و یا حتی حیوانات هستند (به‌عنوان نمونه، رک. مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۲؛ مغنیه، ۱۴۲۱: ۳۱۷؛ کاشانی، ۱۴۱۰: ۱۰۴؛ پوربافرانی، ۱۳۷۵: ۱۱۹). اما کسانی که هنگامه آغاز تحلیل خود را به لحظه‌ی گزینش مستی بر کناره‌گیری از آن بازمی‌گردانند، به نتیجه‌ای متفاوت می‌رسند: نتیجه‌ای که بیش از قیاس، بر انصاف تکیه دارد و به جای کاویدن موقعیت فردی، نگاه خویش را بر انسان مسئول در برابر جامعه خیره می‌کند (به‌عنوان نمونه، رک. محسنی، ۱۳۸۲: ۲۲۸). نتیجه تحلیل نخست را ذهن حساس و موی شکاف بر نمی‌تابد. پس به دنبال تعدیل و تنقیح می‌رود. در این میان، داوری عرف معیار خوبی است تا در شرایط و اوضاع گوناگون، منصفانه‌ترین را برگزیند.

باید بیان داشت که در دید عقل و عرف، استفاده از ماده‌ای آگاه از آن‌که اراده را سست می‌کند و معداً است برای از خود بی‌خود شدن^۱، کافی است تا مصرف‌کننده بی‌عذر آن را در به‌جای آوردن رفتاری برون از خویش، عامل بدانیم. بنابراین، علم به موضوع لازم است اما علم به تأثیر، خیر؛ یعنی: علم آن‌کس به میزان تأثیرپذیری‌اش از این مواد ضروری نیست.

پس جرم یا اضرائی که در چنین حالتی روی می‌دهد، در حکم عمد خواهد بود؛ آن‌که آگاه از ویژگی هوشیاری زدای ماده‌ای (= بدون جهل در موضوع) و بدون عذری شرعی، آن‌چنان در مصرفش زیاده‌روی می‌کند که بی‌اراده شود، از پیش به هرآن‌چه که در نتیجه این حالت اتفاق افتد نیز رضایت داده^۲: چه، روشن است که در حال بی‌اختیاری ناشی از نبود عقل، هر عملی ممکن است از انسان سر بزند و شاهد این مدعا، خود عقل است.

منابع و مأخذ

الف - فارسی

۱. آقای‌نیا، حسین، (۱۳۸۴)، جرایم علیه اشخاص (جنایات)، چاپ اول، تهران: میزان.
۲. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۶) (الف)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ شانزدهم، تهران: میزان.
۳. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۶) (ب)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ هجدهم، تهران: میزان.
۴. ایزانلو، محسن، (۱۳۸۲)، شروط محدودکننده و ساقط‌کننده مسئولیت در قراردادها، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۱. مانند خمر، مواد مخدر و قرص‌های روان‌گردان.

۲. این رضایت تا جایی که اراده مرتکب منسوب می‌شود که مستی عرفاً علت مستقیم نتیجه باشد و امری این ارتباط را قطع نکند.

۵. بادینی، حسن، (۱۳۸۴)، *فلسفه مسئولیت مدنی*، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۶. پوربافرانی، حسن، (۱۳۷۵)، «نقد قانون مجازات اسلامی «باب قصاص نفس»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵: ۱۰۵ تا ۱۲۶.
۷. جعفری تبار، حسن، (۱۳۸۳)، *مبانی فلسفی تفسیر حقوقی*، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۸. جعفری تبار، حسن، (۱۳۸۵)، «قاضیان چون شاعران، گفتاری در: فرض حقوقی و ارزش آن همچون دلیلی بر اثبات دعوا»، *مجله حقوق تطبیقی دانشگاه تهران*، شماره ۲ (دوره جدید): ۱۵۳ تا ۱۸۰.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۱)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۱۰. خدابخش، عبدالله، (۱۳۸۸)، *بیمه و حقوق مسئولیت مدنی*، چاپ اول، تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
۱۱. سعید، علیرضا، (۱۳۹۰)، *ترجمه مبانی تکمله‌المنهاج*، جلد اول، چاپ اول، تهران: خرسندی.
۱۲. صانعی، پرویز، (۱۳۷۱)، *حقوق جزای عمومی*، جلد اول، چاپ چهارم (نوبت اول)، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۱۳. صفایی، سیدحسین، (۱۳۶۴)، «مفهوم تقصیر سنگین در ارتباط با شرط عدم مسئولیت»، *دوفصلنامه حقوقی بین‌المللی*، شماره ۴، زمستان ۱۳۶۴: ۱۶۵ تا ۱۹۶.
۱۴. طباطبایی، علامه سید محمدحسین، (۱۳۴۶)، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدتقی مصباح یزدی، جلد سوم، چاپ دوم، قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم.
۱۵. علی‌پور قوشچی، سلمان، (۱۳۸۵)، «مقایسه آثار تقصیر عمدی و غیرعمدی در حقوق ایران و آمریکا»، *مجله حقوق تطبیقی دانشگاه تهران*، شماره ۲ (دوره جدید): ۲۵۳ تا ۲۸۹.
۱۶. قباچی، حسام، (۱۳۷۵)، «قصاص قاتل مست در فقه و قانون مجازات اسلامی»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی*، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۵: ۱۲۹ تا ۱۵۴.
۱۷. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵)، *الزامهای خارج از قرارداد (ضمان قهری)*، دوره دو جلدی، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۸. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۹)، *الزامهای خارج از قرارداد (دوره سه جلدی)*، جلد اول، چاپ نهم، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. کاتوزیان، ناصر و محسن ایزانلو، (۱۳۸۷)، *الزامهای خارج از قرارداد (دوره سه جلدی)*، جلد سوم، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. کتابی، محمدعلی، (۱۳۴۲)، *عمد و خطا و آثار آنها در حقوق جزایی*، تهران: چاپخانه موسوی.
۲۱. گرجی، ابوالقاسم، (۱۳۸۷)، *اندیشه‌های حقوقی، مفاهیم بنیادین حقوق مدنی و جزایی*، چاپ اول، تهران: مجد.
۲۲. لغو، واین آر، (۱۳۸۳)، *قتل در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا*، ترجمه حسین آقایی نیا، تهران: پیام‌دار.
۲۳. محسنی، مرتضی، (۱۳۸۲)، *دوره حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۲۴. مدیر شانه‌چی، کاظم، (۱۳۸۵)، *آیات الاحکام*، چاپ ششم، تهران: سمت.
۲۵. مشایخی، همایون، (۱۳۴۹)، *مبانی و اصول حقوقی بیمه*، تهران: مؤسسه عالی حسابداری.
۲۶. مغاضی، محمدرضا، (۱۳۴۰)، «مسئولیت کیفری قتل در حال مستی در حقوق انگلستان»، *فصلنامه کانون وکلای*، شماره ۷۸، آذر و دی و بهمن و اسفند ۱۳۴۰: ۳۴ تا ۳۵.
۲۷. موسوی خمینی، سید روح‌الله، (۱۴۲۵ هـ ق)، *تحریر الوسیله*، ترجمه علی اسلامی، جلد چهارم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۸. میرمحمد صادقی، حسین، (۱۳۸۳)، *دادگاه کیفری بین‌المللی*، چاپ اول، تهران: دادگستر.
۲۹. میرمحمد صادقی، حسین، (۱۳۸۶)، *جرایم علیه اشخاص*، چاپ اول، تهران: میزان.
۳۰. نوربها، رضا، (۱۳۸۶)، *زمینه حقوق جزای عمومی*، چاپ نوزدهم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۳۱. یکتن خدایی، محسن، (۱۳۷۶)، *بررسی سستی خواب و بی‌هوشی به عنوان علل رافع مسئولیت در حقوق موضوعه و مطالعه تطبیقی آن با فقه اسلامی، ماهنامه دادرسی*، شماره ۱، فروردین ۱۳۷۶: ۴۳ تا ۴۹.

ب- عربی

۱. انصاری، شیخ مرتضی. (۱۴۱۷)، *فرائد الاصول*، جلد ۱، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲. حر عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۱۴)، *وسائل الشیعه*، جلد ۲۹، قم: مؤسسه آل بیت.
۳. شهید ثانی، (۱۴۱۶)، *مسالك الافهام*، جلد ۱۵، چاپ اول، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۴. شیخ طوسی، (۱۳۸۷)، *المبسوط*، جلد ۸، ۹: المكتبة المرتضویه.
۵. علامه حلی، (۱۴۱۰)، *ارشاد الاذهان*، جلد ۲، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین قم.
۶. علامه حلی، (بی تا)، *تحریر الاحکام*، جلد ۲، مشهد: مؤسسه آل بیت.
۷. فخرالمحققین حلی، محمد بن حسن بن یوسف، (۱۳۸۷ هـ. ق.)، *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، جلد ۴، چاپ اول، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۸. کاشانی، حاج آقا رضا مدنی، (۱۴۱۰)، *کتاب القصاص للفقهاء و الخواص*، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. لنکرانی، محمد فاضل موحدی، (۱۴۲۱)، *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، القصاص*، چاپ اول، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۱۰. محقق حلی، (۱۴۰۹)، *شرایع الاسلام*، جلد ۴، چاپ دوم، قم: انتشارات الاستقلال.
۱۱. مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۱)، *فقه الإمام الصادق علیه السلام*، جلد ۶، چاپ دوم، قم: مؤسسه انصاریان.
۱۲. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۳)، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*، جلد ۱۴، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، (۱۳۹۶)، *مبانی تکمله المنهاج*، جلد ۲، قم: دارالهادی.
۱۴. نجفی، شیخ محمدحسن، (۱۳۶۷)، *جواهر الکلام*، جلد ۴۲، چاپ سوم، بی جا: دارالکتب الاسلامیه.

ج- خارجی

- 1-Pierre Bouzat et Jean Pinatel. (1970), *Traite de droit pénal et de criminologie*, tome 1, droit pénal général, deuxième Édition, paris : librairie Dalloz.
- 2-Vera Bergelson. (2011), "A Fair Punishment for Humbert Humbert: Strict Liability and Affirmative Defenses", *Rutgers Law School- Newark, New Criminal Law Review*, Vol. 14, No. 1, pp. 55-77.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

- «بحثی پیرامون توقیف احتیاطی» سال ۵۱، شماره ۱۲. «لزوم جبران خسارت زندانیان بی گناه» سال ۵۲، شماره ۱۶-۱۵. «پرداخت خسارت به بعضی از متضررین از جرم از طرف دولت، قانون ۱۱ مه ۱۹۷۶ جمهوری فدرال آلمان» سال ۵۶، شماره ۲۰. «اصل براءت و آثار آن در امور کیفری» سال ۷۲، شماره ۲۹. «نقش زیان دیده از جرم و تحول آن در دعاوی کیفری» سال ۷۴ شماره ۳۴. «اصلاح مقررات آیین دادرسی کیفری در چین» سال ۷۷، شماره ۴۲. «گزارش کل همایش بین المللی مواد مخدر تهران اردیبهشت ۱۳۷۹» سال ۷۹ شماره ۵۰. «نگاهی به پدیده همسرکشی در استان فارس» سال ۸۱، شماره ۵۸. «رویه کمیته حقوق بشر در حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی» سال ۱۳۸۷، شماره ۳.

«ارزیابی قواعد ناظر به کیفیات مخففه در حقوق ایران»، سال ۱۳۸۸، شماره ۲. «خانواده و روسپیان خیابانی» سال ۱۳۸۹، شماره ۱.

Archive of SID